



سوره مبارکه اسراء

جلسه سوم: ۹۲/۲/۷

مباحث مهم در این سوره:

این سه موضوع اساس شخصیت شناسی و شاکله شناسی و استعداد شناسی است.

- ۱- تفکر امّی
- ۲- سیستم قرائت در کل قرآن
- ۳- تفصیل و شیوه‌های مختلف تفضیل

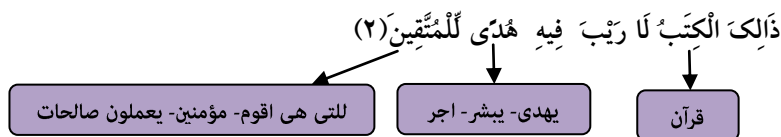
انشاء الله در سوره اسراء به فرآیند این موضوعات می‌پردازیم.

آیات ۹ تا ۱۲:

آیه ۹ سوره اسراء تفصیل آیه ۲ سوره مبارکه بقره است:

«ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)»

«إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (۹)»



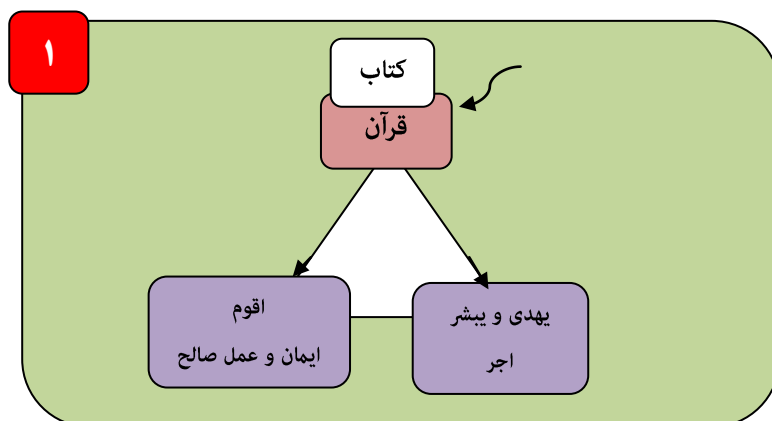
«کتاب» در ناحیه تفصیلش: وسیله‌ای است که در آن قرائت اتفاق می‌افتد.

«قرآن»، مجموعه قرائت شدنی‌هاست که مراتب دارد.

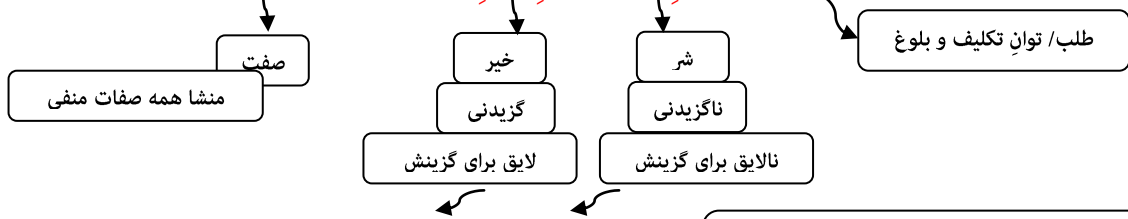
«مقام تفصیل» مانند نردبانی است که راه‌های رسیدن به آن حقیقت را نشان می‌دهد.

قرائت، اقوم بودن، ایمان و عمل صالح، شرایط بهره‌مندی از قرآن است.

توجه: مواردی که از این به بعد در کادر سبز می‌آید مانند قطعات يك پازل باید به هم متصل گردد.

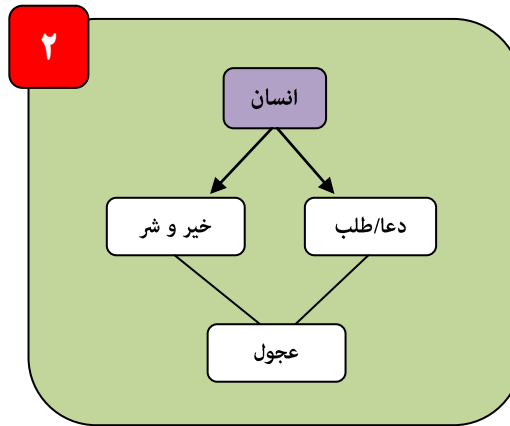


وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۱۱)



با این نوع ترجمه دو معنی حاصل می شود:
- نسبت به چیزهای دیگر = معنی افعال تفضیل
- نسبت به خودش و انسان = معنی مصدری

توجه:
* اختیار: توان گزیدن گزیدنی
* بلوغ انسان به دعای او بستگی دارد و او می تواند شر و خیر را گزینش کند.
* از منظر قرائت، منشأ همه صفات منفی، عجله است.

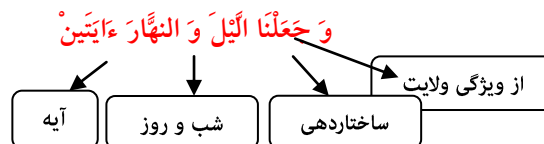


دعای انسان به شر: عجله
به ابن علت شر است که استحکام کافی ندارد.

انگیزه عجله در انسان: همان کار خیر است.
وقتی طلب و قیام در انسان به بلوغ کامل نرسیده، عجله گویند.

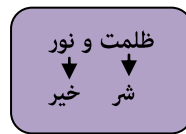
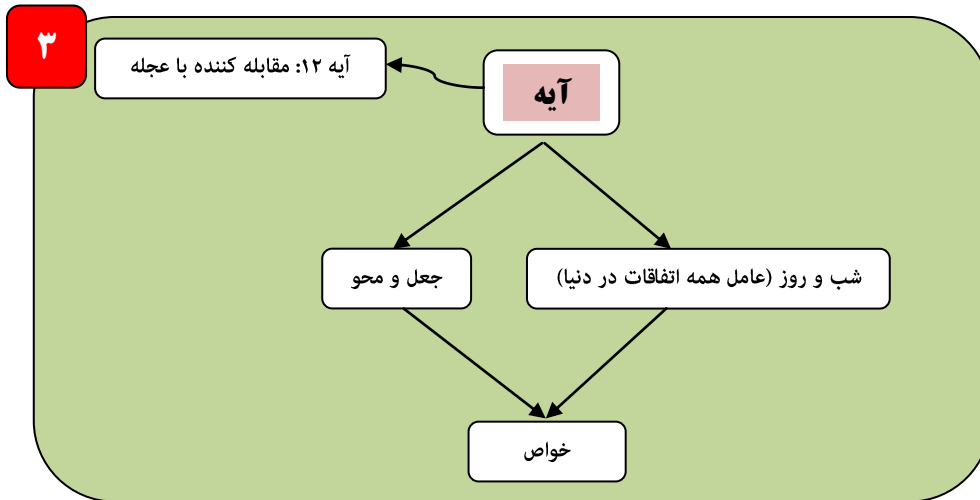
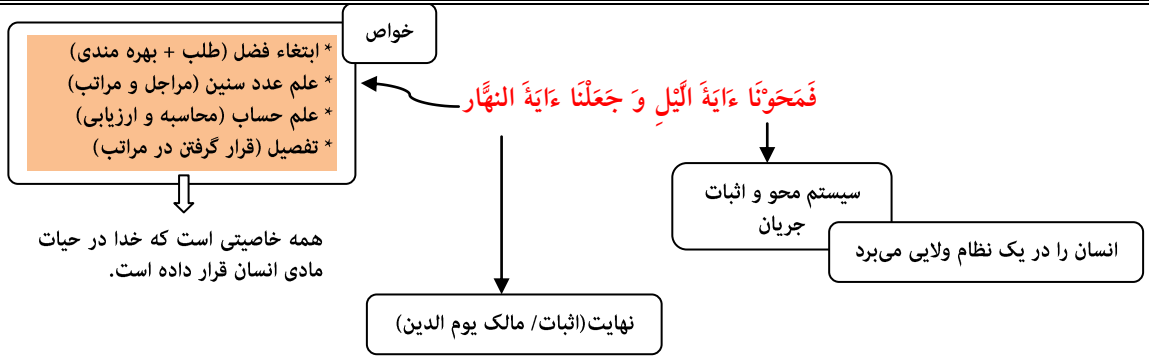
برای اینکه انسان خیرشناس و خیرگزین شود، نظام جعل آیه را مشهود می سازد و می تواند انسان را از عجله مصون بدارد.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِّمَنْ حَمَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَةَ النَّهَارِ... (۱۲)

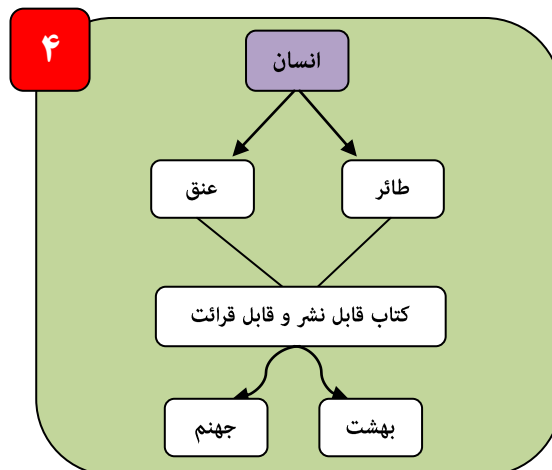
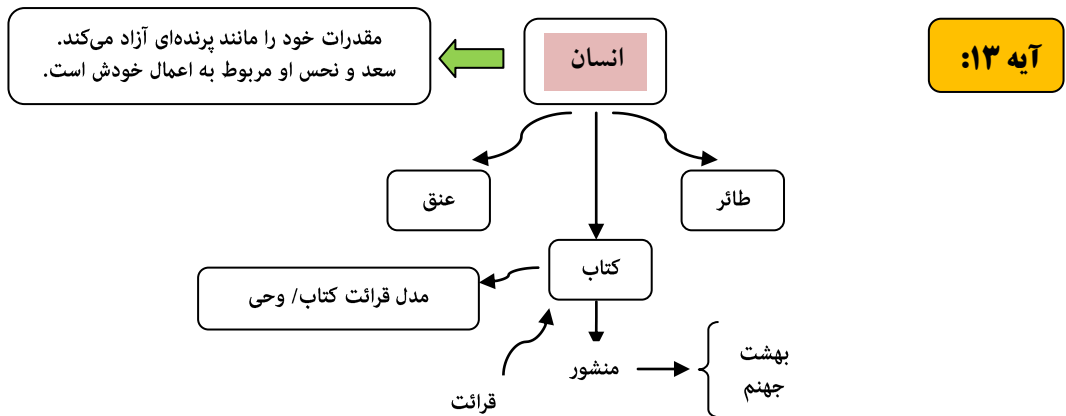


جعل آیه: سیستم ایمنی در ساختار انسان
جعل در کتاب لغت: تدبیر است و تقدیر است و تثبیت.
هرجایی تدبیر، یا تقدیر، یا تثبیت آید نظام ولایی است. بنابراین جعل ابزار ولی است و هرجایی در قرآن جعل آمده است در واقع نظام ولایی را توضیح می دهد. (در سوره نبأ جعل داریم که این سوره را سوره امیرالمؤمنین می نامند).

اگر انسان در ساختار ولایی نیفتد پیوسته عجول است و به جای خیر، شر را می گزیند.

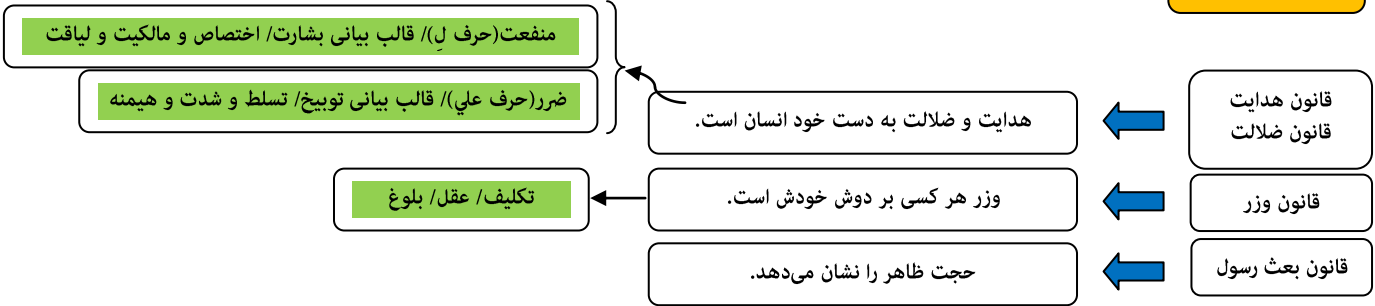


به روز و شب توجه داشته باشید از حیث



اگر مدل فرد، قرائت کتاب باشد، سعادتش و حیانی و الهی است.
اگر مدل فرد، قرائت کتاب عرف، نفس، ... باشد، سعادتش منحوس است.

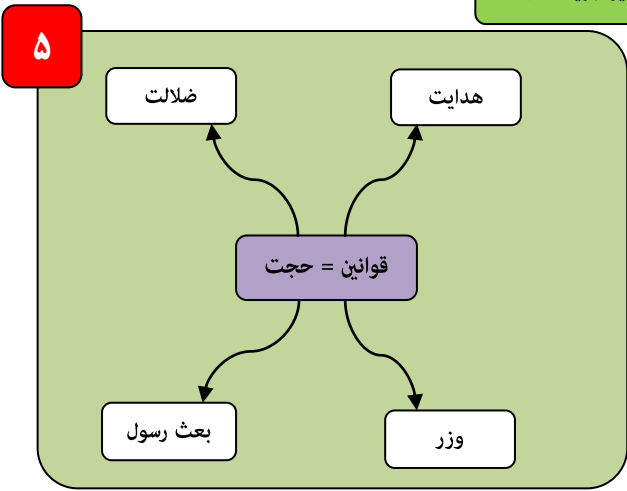
آیات ۱۵ و ۱۶:



توجه: وزر هر کسی بر دوش خودش است یعنی:
 ۱- کسی را به جای دیگری توبیخ نمی‌کنند.
 ۲- کسی نمی‌تواند ادعا کند من در محیط بدی زندگی می‌کردم برای همین گمراه شدم. (البته از سن بلوغ به بعد زیرا خدا «عقل» به عنوان حجت باطن داده است).
 * عقل و بلوغ چنان تفوق دارد که بر آموزش و محیط و فرهنگ نیز تفوق پیدا می‌کند.
 * حجت باطنی چنان قوی است که قابلیت توبیخ را به انسان می‌دهد.
 * اگر کسی مورد دوم را قبول نکند به این دلیل است که شأن و ارزش عقل که گوهر بسیار شریفی است را نمی‌داند.

* خدا بین عقل (حجت درونی) و رسول (حجت بیرونی) هماهنگی و ارتباط ایجاد کرده است. تکلیف را به هماهنگی این دو منوط کرده است.
 * در حال حاضر **قرآن**، همان رسول است بنابراین حجت بر همه تمام شده است.
 * حجت دلیلی است که انسان می‌تواند آن را وجه عمل خودش قرار دهد و بگوید: برای این فلان کار را کردم.

* قوانین جزء «جعل» های خداست و در همه چیز جریان دارد.

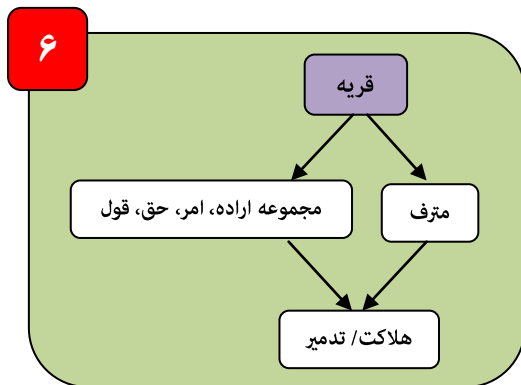


آیه ۱۶:

وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا



قریه: منطقه‌ای است که عده‌ای آن را برای زندگی به صورت اجتماعی انتخاب می‌کنند.
مترف: خواص منحرف و تأثیرگذار بر روی عوام جامعه را مترف گویند.
فسق: ناهنجاری‌هایی را که از دوگانگی و نفاق به وجود می‌آید «فسق» گویند. نقص در توحید و معاد و امامت و در کل نقص در اصول اعتقادی را فسق می‌گویند. ففسقوا یعنی کارهایی می‌کنند که موجب نقض سیستم توحیدی و ولایی است. پس فسق عبارت است از: ناهنجاری‌های به وجود آمده از نفاق، نقض توحید، معاد، نبوت در رفتار و باور



توجه: آیاتی که در این جلسه بررسی می‌شود آیات تکوینی هستند و بین آیات تکوینی و تشریحی فرق است.
اوامر تکوینی: مثال: وقتی به گیاهی آب می‌دهید تکویناً رشد می‌کند و تکویناً گل می‌دهد و تکویناً میوه می‌دهد. همه این موارد بر اساس امر خدا اتفاق می‌افتد بنابراین اوامر تکوینی جیباً در وجود و گوهر موجودات هستی است و آنها آن را انجام می‌دهند.
اوامر تشریحی: تمام احکام و قوانینی است که به وسیله رسول به ما می‌رسد که انجام دادن و ندادن آنها انسان را مستحق عذاب یا پاداش می‌کند. مثل نماز خواندن * توجه گاهی امر تشریحی را بر اساس امر تکوینی بررسی می‌کنیم مانند همین آیه.
 اگر آیه ۱۶ را درست معنی نکنیم چنین می‌شود که: خداوند به فسق انسان‌هایی دستور داده است و سپس منتظر است که آنها را هلاک کند.
 اگر آیه ۱۶ را درست معنی کنیم چنین می‌شود که: هر کس چه راه درست را انتخاب کند و چه راه غلط را، خارج از امر الهی انتخاب نکرده است. توجه بسیار مهم: اگر کسی این مطلب را بفهمد یکی از مهارت‌های مادر را فمیده است:

این آیه به شما یاد می‌دهد که چگونه یک امر تشریحی را تکوینی ببینیم (ریشه حمد)

توجه:

- ۱- هر کس که در مسیر هدایت و ضلالت باشد تابع اراده، اوامر حق، قول خداست.
- ۲- فسق را به عنوان کلید تحقق حق و وعده خدا در هلاکت قرار داده است.
- ۳- امکانات/ نعمت ها را عامل سرمایه فسق قرار داده است.
- ۴- قانون هدایت، همان قانون ضلالت است.
- ۵- قانون هلاکت بر اراده امر حق القول بودن خداست.
- ۶- وقتی اراده و امر خدا بر چیزی جاری است یعنی: ۱) تخطی ناپذیر است. ۲) آتی است. ۳) به واسطه حجاب خلق/ مخلوقات/ زمان منجر به دیرفهمی فرد می‌شود.

توجه:

- ۱- در سوره مبارکه «اسراء» چپستی و ماهیت انسان **با هم انسان** یعنی انسان فطری را بررسی می‌کند.
- ۲- در سوره مبارکه «مریم» چپستی و ساختار **انسان کامل** را بررسی می‌کند.

* کسی که ایمان آورد در هر حالتی جزء نجات یافتگان است.

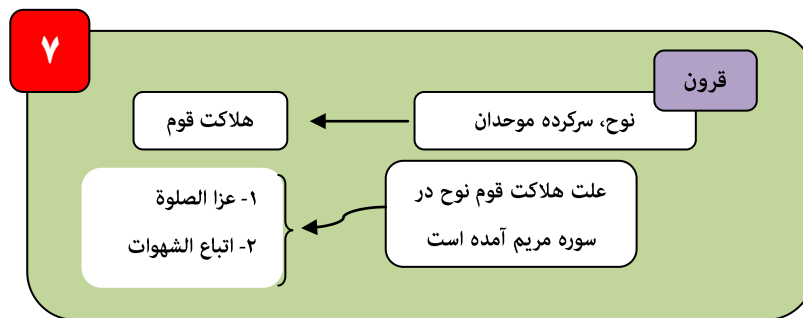
* کسی که کافر شود و در کفر بماند در هر حالتی جزء هلاکت یافتگان است.

* بهره‌مندی از قوانین حق حتی می‌تواند شبه جریان‌ها را زمان زیادی نگه دارد. مانند ماندگاری چند هزار ساله بنی‌اسرائیل. البته عمر طولانی بنی‌اسرائیل قوانین دیگری هم دارد مانند اینکه عده‌ای از آنها توبه کردند و آنها از قانون توبه بهره‌مند شدند و ...
 * ما باید در سیر اجتماعی خودمان قوانینی را بشناسیم که منجر به نجات ما و جامعه‌مان می‌شود. ما باید از هلاکت‌های تکوینی دست برداریم. این سوره می‌گوید: هلاکت امری تکوینی است و جریان دارد، خودتان را از معرض سیل و زلزله و ... که حق هستند، نجات دهید.

راه نجات از هلاکت را می‌توانیم از همین آیه بفهمیم:
 ۱- مترف نباشیم یعنی امکانات ما را غافل نکند.
 ۲- فاسق نباشیم.

وقتی اراده و امر خدا بر چیزی جاری است به این معناست که:
 ۱- تخطی ناپذیر است.
 ۲- آنی است (زمان ندارد)
 ۳- به واسطه حجاب خلق / مخلوقات / زمان / مکان و ... منجر به دیرفهمی فرد می‌شود.

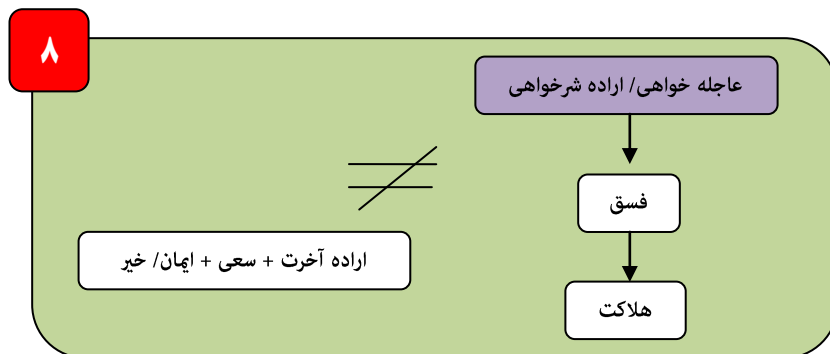
آیه ۱۷:



آیه ۱۸ تا ۲۰:

در این آیات فسق به گونه‌ای دیگر معنا می‌شود.
 فاسق یعنی کسی که اراده‌ی عاجله (دنیا) کند.
 عاجله یعنی عجله خواهی و شر خواهی
 آیات ۱۸ تا ۲۰ نتیجه‌گیری و جمع‌بندی از آیات قبل است.

آیات ۱۸ تا ۲۰ جمع بندی و نتیجه‌گیری است.

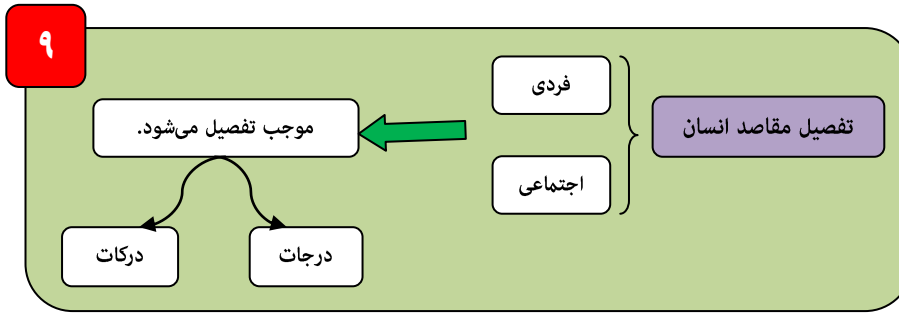


اراده در انسان یعنی تأکید و طلب
 اراده آخرین جزء فعل در انسان است.

آیه ۲۱:

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَلِلْآخِرَةِ الْكُبْرَىٰ وَكِبْرَىٰ ۙ وَكِبْرَىٰ تَفْضِيلًا (۲۱)

تفصیل مقام انسان در سیستم فردی و اجتماعی‌اش منجر به تفضیل او می‌شود. (درجات کمال و درجات سقوط ایجاد می‌کند)
 تفضیل یعنی رده‌بندی می‌شود و درجه پیدا می‌کند.



جمع بندی قطعات پارل از ابتدا:

- * از قطعه ۱: قرآن هدایت کسی است که اقوم است بنابراین در قطعه ۸: کسی که اراده آخرت دارد باید قیام کند و اقوم باشد و برای او قرآن هدایت کننده است. یعنی قیام با اراده آخرت و سعی و ایمان حاصل می شود. به نوعی قطعه ۸ قطعه ۱ را باز می کند.
- * در قطعه ۲: سیستم درونی انسان را توضیح می دهد و در قطعه ۸ سیستم اراده و عجله را در انسان توضیح می دهد.
- * مانند این است که آیات ۱۸ تا ۲۱ یعنی قطعه ۸ تمام قطعات قبلی را روی خود سوار کرده است.
- * از قطعه ۳ و ۹: شب و روز می گذرد و انسانی که اراده آخرت کرده است از این شب و روز استفاده می کند و صاحب درجات می شود و انسان عجله خواه استفاده نمی کند و در درکات قرار می گیرد.
- * از قطعه ۴ و ۸: انسان عجله خواه، طائرش نحس است و انسان آخرت خواه طائرش سعد است.
- * از قطعه ۵ و ۸: انسان عجله خواه بر اساس قانون ضلالت دچار هلاکت می شود و انسان آخرت خواه بر اساس قانون هدایت نجات می یابد.
- * از قطعه ۶ و ۸: انسان عجله خواه و آخرت خواه هر دو سیستم اجتماعی دارند.
- * از قطعه ۷ و ۸: انسان عجله خواه و آخرت خواه هر دو سیستم تاریخی دارند. اما تاریخ انسان عجله خواه منقطع است و تاریخ انسان آخرت خواه در جریان است.
- * توضیح سیستم قرائت درباره هر دو گروه:
انسانی داشتیم که طائری در عنقش داشت که تبدیل به کتاب شد و منشور گشت. از کتاب می خواند و یا بالا می رفت و یا پایین. خدا به پیامبر در آیه ۲۱ می گوید: ای پیامبر نگاه کن که ما چگونه آخرت خواهان را بر عجله خواهان تفضیل (درجات) دادیم. آنها کتابشان را می خوانند و به طور طبیعی بالا می روند. **کتاب ایمان کتاب بالا برنده است.**

در نتیجه

قرائت عبارت است از خوانش درونی از کتاب نفس که عامل تفضیل (درجات) در انسان است.

«تفصیل» در انسان «تفضیل» ایجاد می کند.

قرائت ← عامل تفصیل و تفضیل در انسان است.

یعنی هر انسانی به میزان قرائتش می‌تواند بین امور، تمایز ایجاد کند و بالا و پایین کند.

تا آیه ۲۲ دریافتیم که در انسان موضوع «تفصیل» و «تفضیل» بسیار مهم است.

قرائت
منفی

قدرت خواندن را داشته، ولی ما به ازاء آن استفاده ای نداشته، در واقع قرائتی نداشته است.

انسان اگر در دنیا بخواهد قرائت کند هم باید طی مراتب کند و هم طی مراتب تا در ثمر تفصیلی که اتفاق می‌افتد درجات پیدا کند. به عبارت دیگر میزان تفصیل انسان به قرائت او برمی‌گردد.

هر کاری می‌خواهیم انجام دهیم
باید موارد روبه رو را درباره‌اش
بررسی کنیم.

راه‌های تفصیل دادن
یک موضوع

خیر / شر

عاجله / سوء

آخرت / حسن

انذار رسول

نحوست و سعادت

وزر / سنگینی / تبعات اعمال

سعی ما در انجام هر کاری باید به اندازه‌ای باشد که آن کار به ظهور برسد وگرنه سعی صورت نگرفته است.

میزان تفصیل انسان

قرائت از قرآن

ایمان

به میزان سعی

بر اساس اراده آخرت

یا رسول الله دست ما را هم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین